«پلنگ سیاه» در لحظه اعدام چه گفت؟

شبی عجیب در کنار ۲ اعدامی!

اختصاصی خراسان

عکس: خراسان
گفت و گو با گانگستر مخوف دقایقی قبل از اجرای حکم قصاص

سید خلیل سجادپور – خونسردی مرموز گانگستر مخوف معروف به «پلنگ سیاه» تار و پود افکارم را در هم می پیچید. مدام در خود فرو می رفت و با جملاتی کوتاه سخن می گفت. در مدت حدود سه دهه حوادث نویسی جنایی، هیچ گاه قاتل بی رحمی را چنین «آرام» ندیده بودم. او در خرداد سال ۹۷ مدعی شد که «به آدم کشی اعتیاد دارد!» و حالا بعد از گذشت چند سال از ماجرای دستگیری این آدم کش ترسناک و برگزاری جلسات محاکمه در دادگاه، قرار بود حکم قصاص نفس وی اجرا شود. پرونده او در شعبه هشتم اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد و زیر نظر قاضی حجت قانعی زارع رسیدگی و مقدمات اجرای حکم در سحرگاه چهارشنبه (دیروز) فراهم شده بود. من هم که قصد داشتم دوباره با او در لحظه اعدام همکلام شوم، در حالی شبانه راهی زندان شدم که نگاهم به نگاه یک اعدامی دیگر گره خورد! برای چند ثانیه چشمانم را بستم و دفتر خاطراتم را به سال ۹۵ ورق زدم، جایی که او مرد میوه فروشی را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود. شب عجیبی در کنار دو اعدامی سپری می شد و ماجراهایی از پشیمانی و اشک رقم می خورد که لحظه قصاص دو قاتل فرا رسید و محکومان با دستور قاضی «مهری» (قاضی شعبه دهم اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) پای چوبه دار قرار گرفتند. «پلنگ سیاه» در پاسخ به آخرین سوالم که آیا پشیمانی؟ گفت: نه! اصلا پشیمان نیستم! و این گونه بود که «پلنگ سیاه» در حالی به دار مجازات آویخته شد که طناب دار با مهلت یک ماهه اولیای دم به قاتل مرد میوه فروش، از گردن او باز شد و دوباره به بند زندان بازگشت! مشروح گفت و گوی خبرنگار خراسان با پلنگ سیاه پای چوبه دار و ماجراهای تلخ و شیرین یک شب عجیب در کنار دو اعدامی را در شماره های آینده صفحه حوادث روزنامه خراسان بخوانید.

وحشت آفرینی گروگان گیر مسلح در توهم شیشه!

اختصاصی خراسان

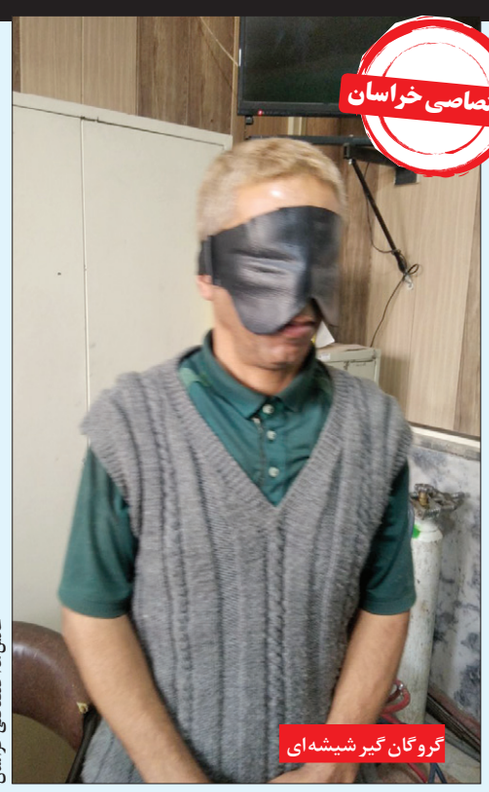
گروگان گیر شیشه‌ای
عکس‌ها اختصاصی خراسان

سجادپور – مرد ۴۲ ساله شیشه ای که با گروگان گیری مسلحانه یک دختر جوان و اعضای یک خانواده جیلی سوار، صحنه های وحشتناکی را در خیابان های مشهد رقم زد، در حالی با عملیات ضربتی نیروهای کلانتری طرق مشهد به دام افتاد که هنوز در توهم ناشی از مصرف شیشه به سر می برد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این حادثه هولناک عصر بیستم آبان زمانی آغاز شد که نیروهای انتظامی در جریان سرقت یک دستگاه خودروی سواری «تارا» در خیابان فدائیان اسلام قرار گرفتند و برای بررسی موضوع به محل حادثه عزیمت کردند. تحقیقات نیروهای تجسس بیانگر آن بود که خودروهای سواری صفر کیلومتر در حال انتقال از تریلر به مرکز فروش بودند که ناگهان مردی پشت فرمان یکی از خودروهایی نشست که آن را از تریلر حمل خودرو پایین و کنار خیابان گذاشته بودند. او با سوئیچی که داخل خودروی «تارا» بود، آن را روشن کرد و پدال گاز را فشرد. هنوز تحقیقات پلیس برای ردیابی عامل سرقت خودروی صفر کیلومتر ادامه داشت که خبر وحشتناک دیگری نیروهای کلانتری طرق را به تکاپو انداخت؛ «مرد مسلحی در شهرک عسگریه، اعضای یک خانواده را گروگان گرفته است و صدای جیغ و فریاد گروگان ها به گوش می رسد!» با گزارش این حادثه به نیروهای انتظامی، بلافاصله سرهنگ احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) وارد عمل شد و با نظارت مستقیم بر این عملیات به هدایت نیروهای انتظامی پرداخت. طولی نکشید که به دستور فرمانده انتظامی مشهد، گروه ویژه ای از نیروهای کارآزموده تجسس به سرپرستی سرگرد براتی (جانشین کلانتری) لباس های ضد گلوله به تن کردند و با رعایت نکات امنیتی سوار بر خودروهای پلیس، آژیرکشان به طرف شهرک عسگریه به راه افتادند. وحشت آفرینی های مرد مسلح هر لحظه در بی سیم های پلیس می پیچید اما نیروهای انتظامی برای حفظ جان گروگان ها باید با تدابیر پلیسی عمل می کردند. دقایقی بعد خودروی جیلی نبش خیابان احسان ۱۲ شناسایی شد و منطقه به محاصره نیروهای انتظامی درآمد. با صدور فرمانی از سوی سرهنگ نگهبان، نیروهای عملیاتی در چند شاخه وارد عمل شدند و با به کارگیری شگردهای تخصصی، ابتدا تلاش کردند گروگان ها را نجات دهند. این در حالی بود که مرد مسلح با تیزهوشی راننده «جیلی» در مخمصه ای قرار داشت که سعی می کرد اعضای خانواده او را از خودرو پیاده کند تا فقط راننده را گروگان بگیرد. ماموران هم که دنبال چنین فرصتی بودند، سلاح ها را از ضامن خارج کردند و منتظر رهایی گروگان ها ماندند. لحظاتی بعد به محض این که اعضای خانواده راننده جیلی و یک دختر جوان از خودرو فاصله گرفتند، عملیات ضربتی پلیس مشهد برای دستگیری عامل گروگان گیری مسلح آغاز شد. مرد ۴۲ ساله که خود را در خطر دستگیری می دید با رها کردن اسلحه کلت، به داخل یک منزل ویلایی شخصی گریخت و سپس با عبور از یک دیوار ۴ متری به درون یک مجتمع آپارتمانی فرار کرد. در این هنگام شاخه ای از افسران تجسس با هدایت ستوان یکم نوروززاده چنارانی (رئیس دایره تجسس کلانتری طرق) واحد آپارتمانی را به محاصره درآوردند و گروگان گیر مسلح را در طبقه دوم ساختمان به دام انداختند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، با انتقال مرد مسلح به مقر انتظامی تحقیقات گسترده ای در این باره آغاز و مشخص شد که مرد ۴۲ ساله «علی اصغر-ر» نام دارد و به دلیل مصرف زیاد مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه دچار توهم شده است. گروگان ها که دیگر خودرا در پناه پلیس می دیدند و خطری آن ها را تهدید نمی کرد برای دقایقی تحت مراقبت قرار گرفتند تا اقدامات پلیسی در این باره پایان یابد. در همین حال دختر ۱۹ ساله ای که از چنگ مرد مسلح رها شده بود، درباره این ماجرای وحشتناک به افسران دایره تجسس گفت: من در یک پیتزافروشی در خیابان جمهوری اسلامی کار می کنم. آن لحظه برای خرید از سوپرمارکت عرض خیابان را طی کردم که ناگهان یک دستگاه خودروی «تارا» به من نزدیک شد و راننده اصرار داشت که سوار خودرواش شوم. وقتی چهره وحشتناک راننده را دیدم، ناخودآگاه پا به فرار گذاشتم ولی او پیاده به دنبالم آمد و در یک لحظه لوله اسلحه را پشت سرم گذاشت و مرا به طرف خودروی جیلی کشاند که سرنشینان آن مشغول صرف بستنی بودند. او در حالی مرا کشان کشان روی صندلی عقب خودروی جیلی انداخت که همسر و دو دختر خردسال راننده از ترس جیغ می کشیدند! سپس مرد مسلح خطاب به راننده فریادزد: «حرکت کن! حرکت کن!»

بخشی از ابزارهای کشف شده از گروگان گیر مسلح

راننده هم که تلاش می کرد خونسردی خود را حفظ کند، به او می گفت: بگذار همسر و فرزندانم پیاده شوند، من با تو می آیم!... ولی مرد مسلح دست بردار نبود تا این که راننده به طرف شهرک عسگریه حرکت کرد که در اطراف میدان سلام، با مشاهده خودروهای پلیس دلگرمی پیدا کردیم و راننده هم سعی می کرد ما را از خودرو پیاده کند که ناگهان مرد مسلح تصمیم گرفت فقط راننده خودرو را گروگان بگیرد و....

راننده خودرو نیز با بیان چگونگی وقوع حادثه گفت: نمی دانم علت و انگیزه این مرد از گروگان گیری مسلحانه چه بود اما من فقط می خواستم به اعضای خانواده ام آسیبی نرسد به همین دلیل هم خودرو را متوقف کردم تا بتوانم فرزندانم را نجات بدهم که ناگهان پلیس از راه رسید و او را دستگیر کرد.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، مرد معتاد که مدعی بود اسلحه کلت را از فردی در چهارراه گاز مشهد خریده است، درباره انگیزه خود از گروگان گیری گفت: من معتاد به شیشه هستم و قبل از گروگان گیری هم مقدار زیادی مواد مخدر مصرف کردم. فقط می خواستم زندگی خودم را عوض کنم و با گروگان گیری راننده، با او از مرزهای کشور خارج شوم! شایان ذکر است، با کشف کپسول های هوابرش و ابزارهای متعدد سرقت از فرد گروگان گیر، بررسی های بیشتر در این باره با صدور دستورات ویژه قضایی همچنان ادامه دارد.

۱۱ دانش آموز کرمانی در ۲ تصادف سرویس مدرسه مجروح شدند

کرمانی- در دو حادثه رانندگی ۱۱ دانش آموز کرمانی مجروح شدند. به گزارش خراسان، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی کرمان گفت: صبح پاییزی آخر هفته در کرمان با دو حادثه ترافیکی و مجروح شدن ۱۱ دانش آموز همراه بود. صابری افزود: در حادثه نخست، ساعت ۶:۴۲ صبح روز سه شنبه (۲۴ آبان ماه) در پی دریافت گزارش برخورد یک دستگاه کوییک و واژگونی وَن در بولوار نصر، ابتدای خیابان بهارستان شهر کرمان، بلافاصله سه گروه فوریت های پزشکی به محل حادثه اعزام شدند. وی اظهار کرد: این حادثه پنج مصدوم به جا گذاشت که همه پسر و در رده سنی ۱۲ تا ۱۵ سال بودند و بعد از رهاسازی و اقدامات درمانی مناسب، توسط تیم های فوریت های پزشکی با یک دستگاه کوییک و واژگونی وَن در بولوار نصر، ابتدای خیابان بهارستان شهر کرمان، بلافاصله سه گروه فوریت های پزشکی به محل حادثه اعزام شدند. وی اظهار کرد: این حادثه پنج مصدوم به جا گذاشت که همه پسر و در رده سنی ۱۲ تا ۱۵ سال بودند و بعد از رهاسازی و اقدامات درمانی مناسب، توسط تیم های فوریت های پزشکی با حال عمومی مساعد به بیمارستان شهید باهنر کرمان منتقل شدند.

پزشکی به محل حادثه اعزام شدند و بعد از رهاسازی و اقدامات درمانی مناسب یک دانش آموز پسر ۱۳ ساله (تنها سرنشین پژو ۴۰۵) در محل حادثه درمان سرپایی شد و پنج دانش آموز دختر ۱۴-۱۳ ساله (سرنشین پژو پارس) با حال عمومی مساعد به بیمارستان شهید باهنر کرمان منتقل شدند.

باند سازمان یافته قاچاق سوخت در جنوب کشور متلاشی شد

توکلی - باند بزرگ و سازمان یافته ای که به صورت گسترده در برخی از استان های جنوبی کشور اقدام به قاچاق سوخت می کرد، در جیرفت به دام افتاد. به گزارش خراسان دادستان عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت در تشریح جزئیات این خبر اظهار کرد: در این عملیات بیش از ۱۰۰ هزار لیتر بنزین و گازوئیل از قاچاقچیان کشف و ضبط شد.

قاضی حسین سلامی ادامه داد: از این باند، شش متهم از جمله یک کارمند شرکت نفت، دلال، جایگاه دار سوخت و دو کارشناس نظام مهندسی و کشاورزی دستگیر و با قرار مناسب روانه زندان شدند.

این مقام قضایی گفت: یک جایگاه سوخت که محل قاچاق سوخت بود، شناسایی و پلمب شده است.

وی افزود: باند مذکور با اقدامات منسجم اطلاعاتی از سوی پاسداران گمنام امام زمان (عج) در سازمان اطلاعات سپاه استان کرمان هدف ضربه و حمله قرار گرفت.

وی با تاکید بر این که یکی از اولویت های مهم و اساسی دستگاه قضایی جیرفت، مبارزه جدی و مستمر با پدیده شوم قاچاق است، خاطرنشان کرد: در این زمینه پرونده قضایی در شعبه اول بازپرسی شهرستان جیرفت تشکیل شده است و اعضای این باند به اتهام قاچاق سازمان یافته سوخت تحت پیگرد قضایی قرار گرفتند.

در امتداد تاریکی

آدم رباها مامور قلابی بودند!

آن زن و مردی که به همراه همسرم وارد خانه شده بودند، دست و پاهای مرا بستند و به زور مرا به بیمارستان روان پزشکی مشهد بردند تا چنین وانمود کنند که من دیوانه هستم و....

به گزارش اختصاصی خراسان، زن ۲۵ ساله در حالی که بیان می کرد دیگر از این همه شکنجه روحی و تحقیر و توهین خسته شده ام و از همسرم به دلیل آدم ربایی و حبس غیرقانونی شاکی هستم، درباره ماجرای عشق خیابانی خود به کارشناس و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: ۱۵ سال بیشتر نداشتم که روزی در مسیر مدرسه به نگاه عاشقانه «آرتین» دل باختم و این گونه روابط پنهانی ما آغاز شد. از آن روز به بعد مدام در کوچه و خیابان منتظر او بودم تا با هم گفت و گو کنیم. اگر چه من در خانواده ای متوسط رشد کردم و پدرم تعمیرگاه خودرو داشت اما هیچ سنخیتی با خانواده «آرتین» نداشتیم چرا که آن ها در حاشیه شهر زندگی می کردند و از نظر فرهنگی و اقتصادی در سطح پایینی قرار داشتند. با این حال، من همچنان به این عشق خیابانی ادامه می دادم و به قول معروف «عاشق» شده بودم. هنوز دو ماه از این آشنایی نگذشته بود که روزی یکی از بستگانم من و آرتین را در کنار یکدیگر دید و بدین ترتیب ماجرای عشق خیابانی ما لو رفت و آبروریزی شد. در این شرایط خانواده «آرتین» به خواستگاری ام آمدند اما پدرم به شدت با این ازدواج مخالفت کرد. از سوی دیگر اصرارهای من هم بی فایده بود تا این که بالاخره تصمیم گرفتیم از خانه فرار کنیم. من و «آرتین» با یک قرار ملاقات چند روز به شمال کشور رفتیم به طوری که این رسوایی موجب شد پدرم با چشمانی اشک آلود به این ازدواج پوشالی رضایت بدهد. در کمترین زمان ممکن مراسم عقد کنان برگزار شد و من و آرتین زندگی مشترک را در حالی آغاز کردیم که خانواده ام دیگر به من کاری نداشتند و در واقع از سوی آن ها طرد شده بودم.

یک سال بعد وقتی دخترم به دنیا آمد، مادرم به طور پنهانی نوه اش را دید و این گونه با میانجی گری مادرم بالاخره پدرم نیز به منزلم رفت و آمد کرد. آن زمان آرتین در یک شرکت بسته بندی چای مشغول به کار بود و بنا به خواست من، برادرم «حسن» را هم به شرکت معرفی کرد تا به عنوان «بازاریاب» کار کند اما متاسفانه «حسن» یک روز که به خاطر نوشیدن مشروبات الکلی حال طبیعی نداشت با همکارانش درگیر شده بود و مدیران شرکت هم او را اخراج کردند. همین موضوع دستاویزی برای تحقیر من شد به طوری که همسرم با این بهانه که آبروی او در شرکت رفته است، مدام به من توهین می کرد. حتی شب ها بیدار می شد و به من ناسزا می گفت که چرا برادرت چنین رفتاری انجام داده است. هر شب شکنجه روحی می شدم و ناسزاهای شوهرم را تحمل می کردم تا جایی که بالاخره دچار افسردگی شدم و در حالی که افکار خودکشی به سراغم آمده بود، به یکی از مراکز بهداشتی رفتم تا از روان شناس کمک بگیرم اما آن ها با اورژانس اجتماعی بهزیستی تماس گرفتند و مرا به جای معرفی به یک مرکز روان شناختی به بیمارستان روان پزشکی ابن سینا بردند! خواهرانم که این موضوع را فهمیدند آرتین را آن قدر سرزنش کردند که او مجبور شد با رضایت کتبی مرا از بیمارستان ترخیص کند. پزشک بیمارستان روش زوج درمانی را برای آرامش من پیشنهاد کرده بود ولی همسرم همکاری نمی کرد تا این که چند روز قبل مشغول رسیدگی به درس های مدرسه دخترم بودم که ناگهان آرتین به همراه یک زن و مرد دیگر وارد خانه ام شدند و با بستن دست و پاهایم، مرا سوار خودرو کردند. آن زن و مرد خود را مامور دولت معرفی می کردند ولی در بین راه مدام سیگار می کشیدند و آثار خودزنی با تیغ و چاقو روی دست هایشان بود. خیلی می ترسیدم ولی دم بر نمی آوردم. آن ها که همسرم را با نام کوچک خطاب می کردند مرا تا بیمارستان روان پزشکی بردند و سپس با «چشمک» همسرم مرا تنها گذاشتند. آن شب آرتین مرا به بیمارستان برد و پزشک شیفت با طرح چند سوال و مشاهده پاسخ هایم به پرسش نامه گفت: او مشکل خاصی ندارد، فقط باید برای زوج درمانی بروید! وقتی به خانه بازگشتم، همسرم گفت آن دو نفر از دوستانش بودند که مدتی را هم در بیمارستان ابن سینا بستری شده اند و سپس ادعا کرد اگر مرا بستری می کردند او می توانست بدون پرداخت حق و حقوقم مرا به راحتی طلاق بدهد و.... حالا هم از آن دو نفر و همسرم به اتهام آدم ربایی و حبس غیرقانونی شکایت دارم. گزارش روزنامه خراسان حاکی است، با صدور دستورات ویژه از سوی سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) تحقیقات گسترده پلیسی درباره ادعای این زن جوان توسط نیروهای تجسس آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان

آگهی مناقصه (نوبت دوم)
برگزاری عمومی دو مرحله‌ای به روش معمولی همراه با ارزیابی کیفی
موضوع مناقصه: خرید مربوط به شرح ذیل: WIRE ROPE 1-3/8" * 2000 * 96.0

شرکت ملی حفاری ایران (سهامی خاص)

مشخصات مناقصه :

نام مناقصه گزار	شماره تقاضا/ مناقصه	مبلغ برآورد (یورو)	شماره فراخوان
شرکت ملی حفاری ایران	Tender No.: FP/10-01/085 Indent No.: 01-22-0146008	۳۶۴,۲۸۶	۲۰۰۱۰۹۳۹۸۵۰۰۰۷۷۰

روش ارزیابی کیفی مناقصه گران :

روش ارزیابی	بر اساس کسب حداقل امتیاز (۵۰) مربوط به معیارهای موجود در استعلام‌های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می‌شود، انجام می‌گردد.

نحوه دریافت اسناد مناقصه:

تاریخ شروع دریافت	توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت. (از تاریخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۵)
آخرین مهلت تحویل اسناد	۱۴ روز پس از آخرین روز دریافت استعلام‌های ارزیابی کیفی. (تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۹)
آدرس مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات	آدرس: اهواز، بلوار پاسداران، بالاتر از میدان فرودگاه، شرکت ملی حفاری ایران، ساختمان پایگاه عملیاتی، طبقه اول، سالن ۱۱۳، اداره تدارکات خارجی کالا شماره تماس : ۰۶۱۳۴۱۴۸۶۰۱

تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار):

مبلغ تضمین	۱۹,۲۴۲ یورو
انواع تضامین قابل قبول	طبق تبصره ماده ۹ آئین نامه تضمین معاملات دولتی اشخاص ایرانی مجازند به جای ضمانتنامه ارزی ضمانتنامه ریالی بانکی براساس نرخ تسعیر بانک مرکزی جمهوری اسلامی سامانه نیما قابل احصاء از جدول نرخ فروش میانگین موزون حواله ارزی مندرج در سامانه سنا (www.sanarate.ir) زمان تسلیم پیشنهاد ارائه نمایند. ضمانتنامه های مطابق آئین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ و اصلاحات بعدی آن. در خصوص ضمانتنامه های واریزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۴۳۶ تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران(شماره شبا IR ۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۴۳۶)
مدت اعتبار پیشنهاد/ تضمین	۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)
محل تحویل ضمانتنامه	اهواز، بلوار پاسداران بالاتر از سه راه فرودگاه، شرکت ملی حفاری ایران، ساختمان پایگاه عملیاتی، طبقه اول پارت B ، اتاق ۱۰۷، دبیرخانه کمیسیون مناقصات شماره تماس ۰۶۱ ۳۴۱۴۸۵۹۰ -۰۶۱ ۳۴۱۴۸۵۸۰

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶
کانال‌های اطلاع رسانی شرکت ملی حفاری ایران http://sapp.ir/nidc_pr www.nidc.ir
شناسه: ۱۴۱۱۶۹۱ | روزنامه خراسان
شرکت ملی حفاری ایران - اداره تدارکات خارجی کالا

آگهی تجدید مناقصه یک مرحله ای
فراخوان شماره ۲۰۰۱۰۹۴۵۷۵۰۰۰۰۱۷ نوبت دوم

سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری سبزوار

سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری سبزوار در نظر دارد مناقصه خریدباکس بتنی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران وبازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس (www.setadiran.ir) انجام خواهد شد ولازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور ودریافت گواهی امضا الکترونیکی راجهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۱/۰۸/۱۹ میباشد.

مهلت دریافت اسناد مناقصه: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰
زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲
مبلغ شرکت در مناقصه : ۶۴۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال

علاقه مندان به شرکت در مناقصه می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی(توکن) به شماره ۲۱۴۱۹۳۴ مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه تماس حاصل نمایند.

هادی محسنی راد-رئیس سازمان

۱۴۰۱۹۴۱۶۶/ش